



مشاق آرامش واقعی هشتم

شما و دیگرانی که در این شهر مسئولیتی دارید، اگر بتوانیم به خوبی به آن عمل کنیم، نتیجه آن را در جامعه خواهیم دید. من به عنوان یک مربی، دوست دارم که در کارم راحت باشم تا بهترین تصمیمات را اتخاذ کنم. در مدیریت‌های کلان جامعه نیز باید همین‌طور باشد، زمانی که مدیران یک جامعه در فشار باشند و نتوانند به راحتی برای بخش‌های گوناگون جامعه تصمیمی بگیرند، قطعاً لطمات آن نیز به داخل جامعه و به تک تک مردم می‌رسد که باعث می‌شود، همه در این مخاطره ضربه ببینند. منطق و آرامش می‌تواند متولی رشد در یک جامعه باشد. اگر امروز ما از فوتبال یا سینما یا هر صنفی که در آن مشکلاتی وجود دارد، حرف می‌زنیم، متوجه این موضوع است که ما در بحث کلان دچار اشکال شده‌ایم که مانند یک سرطانی

شما و دیگرانی که در این شهر مسئولیتی دارید، اگر بتوانیم به خوبی به آن عمل کنیم، نتیجه آن را در جامعه خواهیم دید. من به عنوان یک مربی، دوست دارم که در کارم راحت باشم تا بهترین تصمیمات را اتخاذ کنم. در مدیریت‌های کلان جامعه نیز باید همین‌طور باشد، زمانی که مدیران یک جامعه در فشار باشند و نتوانند به راحتی برای بخش‌های گوناگون جامعه تصمیمی بگیرند، قطعاً لطمات آن نیز به داخل جامعه و به تک تک مردم می‌رسد که باعث می‌شود، همه در این مخاطره ضربه ببینند. منطق و آرامش می‌تواند متولی رشد در یک جامعه باشد. اگر امروز ما از فوتبال یا سینما یا هر صنفی که در آن مشکلاتی وجود دارد، حرف می‌زنیم، متوجه این موضوع است که ما در بحث کلان دچار اشکال شده‌ایم که مانند یک سرطانی

منصور ابراهیم زاده

مربی فوتبال



این روزها اکثرها به این موضوع فکر می‌کنند که آرامشی همگانی به تمام سطوح جامعه برسد. فرقی نمی‌کند که به کجا و به چه کسانی انتقال پیدا کند؛ عقیده دارم که هر آرامشی به هر نقطه‌ای انتقال پیدا کند، قطعاً اثرات آن نیز در جامعه و مردم پدیدار می‌شود که معمولاً به اثرات این موضوع همیشه فکر می‌کنم. به اثرات آرامش به معنای واقعی کلمه که امیدوارم در تمام موضوعات مربوط به جامعه ایرانی، تسری یابد تا جامعه‌ای دوست‌داشتنی داشته باشیم. دوست دارم فوتبالمان آرام دنبال

امروز با مولانا



گر جان عاشق دم زند آتش در این عالم زند
دودی بر آید از فلک نی خلق ماند نی ملک

وین عالم بی اصل را چون ذره‌ها بر هم زند
زان دود ناگه آتشی بر گنبد اعظم زند

یک خبر | یک نگاه

حوزه سلامت را معاف کنیم

بهداشت در ایران، هر چند نسبت به سال‌های دورتر، وضع خوبی دارد اما هزینه‌های سرسام آور سلامت و وضع اقتصاد عمومی که روبه‌ضعف نهاده است به علاوه روی آوردن به تشریفات در زندگی، که بر کلیه شئون زندگی افراد تأثیر می‌گذارد، باعث شده بخش قابل توجهی از جمعیت ایران با کمبود هزینه‌های بهداشتی رو به رو شوند و در معرض آسیب‌های بهداشتی قرار گیرند.

بهزاد رحمانی، رئیس هیات‌مدیر هانچمن علمی جراحان عمومی ایران، افزایش این نوع آسیب‌ها را تأیید کرده و از فرونی میزان ابتلا به سرطان در ایران خبر داده است. او با اعلام اینکه نه تنها آمار سرطان در کشور بالا رفته که سن ابتلا نیز کاهش یافته است، تأکید کرد: دلایل کتمان سونامی سرطان در کشور، مواضع سیاسی و اجتماعی است. رحمانی درباره رداغای سونامی سرطان در ایران، از سوی معاون تحقیقات و فناوری وزارت بهداشت گفت: واقعیت این است که آمار سرطان در کشور بالا رفته است اما اینکه چرا گفته شده سونامی سرطان در کشور نداریم، می‌تواند ناشی از مواضع معاف کنیم.

سیاسی و اجتماعی باشد. در هر صورت، گفتن آمار سرطان در کشور، سیاه‌نمایی نیست بلکه واقع‌نمایی است. آنچه در این خبر آمده نشان از وجود نگاه سیاسی و حتی گسترش آن به حوزه سلامت عمومی است. حوزهای که کل جمعیت ایران را شامل می‌شود و به طور عمومی نباید با آن برخورد سیاسی کرد. قاعده این است زمانی که اطلاعات مربوط به حوزه سلامت با شفافیت کامل منتشر شود، این امکان هست که هم مردم و هم مسئولان با اتخاذ شیوه‌ای مناسب با گسترش پدیده‌های اینچنینی، مبارزه کنند اما اگر احساس امنیت از صحبت کردن درباره این موضوعات از جامعه رخت برینند، ضمن اینکه انعکاس آن صورت مناسبی ندارد، توان مقابله جامعه با شیوع بیماری یا معضلات همگانی، از سوی معاون تحقیقات و فناوری وزارت بهداشت گفت: واقعیت این است که آمار سرطان در کشور بالا رفته است اما اینکه چرا گفته شده سونامی سرطان در کشور نداریم، می‌تواند ناشی از مواضع معاف کنیم.

برش

علم مسئول است

علی شریعتی

چگونه بشناسند و با آنها چگونه درافتند؟

بهر حال بشریت به رفاه مادی، آزادی، رشد فرهنگ و معنویت، نیازمند است و توده‌های وسیع دنیای دوم و طبقه دوم هر دو دنیا، بدان نیاز فوری و حیاتی دارند و اگر علم بخواهد در چنین وضعی، که حیات دوسوم بشریت، سرزوش انسان و فرادای انسان، بدان بسته است دامن فرآیند و «بی‌طرف» و «بی‌نظر» بماند و از راه‌هایی، پیش‌بینی و ارزیابی مسائل، خودداری کند پس به چه کار می‌آید؟ این تقوی، تقوی شوم است. هیچ موجودی در این عالم به اندازه «علم» مسئول نیست.

برشی از کتاب بازگشت به خویشتن



میلیون‌ها نفر از مردم جهان که در جنگ جهل، انحطاط اجتماعی و فقر مادی و معنوی اسیرند و مشکلات زندگی‌شان، علمی مسائل وجود، عرض، ماده و انرژی نیست بلکه می‌خواهند بدانند که زنگارها، بیماری‌ها و فسیل‌های اجتماعی‌شان را چگونه نابود کنند. به کالبد ماده و سنگ شده ملتشان، چگونه روح بدمند و حیات و حرکت بخشند؟ زندگی‌شان را چگونه بسازند، از عقب‌ماندگی‌ها چگونه‌ها شوند، چه هدف‌هایی را تعیین کنند، چه راه‌هایی را تعقیب کنند. حیل و استعمار و برده‌سازي‌ها و سفله‌پروری‌های زمان را

امروز به چی فکر می‌کنی

شهر بی‌قواره

راحتی احساس می‌کنم. در نزدیکی خانه ما برج‌هایی ساخته شده که سر به فلک کشیده‌اند و برج‌هایی هستند که در حال آماده شدن هستند. از ۱۰ شب تا ۶ صبح صدای ساخت‌وساز آنها مشکلات بسیاری را برای همسایگان فراهم می‌کند که باعث از بین رفتن آرامش ساکنین شده است البته این موضوع هیچ اهمیتی در مقابل خسارت‌های دیگری که به ما و شهر ما وارد شده است، ندارد. چرا که تمام بیان شهر تهران در حال از بین رفتن است این ساخت و سازها شکل زندگی افراد را از بین می‌برد و دچار زلزله می‌کند.

من به این اتفاق که از زمان آقای کریاسچی به وقوع پیوسته، نقد دارم و بر آن تأکید دارم اما اکنون این موضوع دیگر به یک تجارت بدل شده و جالب این است که این صداها اکنون بیش از هر زمان دیگر به گوش می‌رسد اما متأسفانه فردی که باید این موضوع را گوش دهد هیچ اهمیتی برای آن قابل نیست. به هر حال عده‌ای در شهرداری و بیرون از آن هستند که این موضوع را مدیریت می‌کنند و به آن می‌پردازند و هیچ‌کسی هم جلودار آنها نیست و توانایی مقابله با آنها را ندارد که این باعث تأسف است. این ساخت‌وسازها بر ذهنیت من تأثیر گذاشته و روی آن نقش بسته است. من بعضی روزها که در خانه هستم، حتی لحظه‌ای آرامش را در خود نمی‌بینم و این مورد به یکی از مشکلات اصلی جامعه فعلی بدل شده که باعث نابسامانی‌های بسیاری شده است. ساخت جمعیت را تغییر و آلودگی را افزایش داده و به همه از کان جامعه ضربه وارد ساخته است.

گیتی اعتماد

جامعه‌شناس شهری



شاید این موضوعی که قصد دارم از آن صحبت کنم، بسیار تکراری باشد و همه ما بارها آن را دیده و درباره آن شنیده باشیم و همچنین نظراتی نیز درباره آن بیان کرده باشیم. اما نکته جالب این است که تا این زمان بارها افراد مختلف چه مسئولانی که در این باره دلشان به درد آمده و چه کسانی که در موضوعات شهری فعال هستند در این باره سخنان زیادی را بیان کرده‌اند اما نتیجه‌ای نداشته و به همین دلیل نیز این سوال بارها در این مدت برایم به وجود آمده است که در این دوره و عصری که در آن قرار داریم و همواره ملتها به عنوان عناصر مهم و تأثیرگذار قلمداد شده‌اند، مگر می‌شود ملت بودن ما توسط یک شهردار مهم ارزیابی نشود و در دستور کار فعالیت آنها قرار نگیرد؟

بابت این موضوع می‌شود یک کمپین از امضاهای زیادی به وجود آورد چرا که بسیاری از افراد جامعه با این موضوع موافق هستند و من نظرات افراد زیادی را در این چند وقت درباره آن شنیده‌ام که این افراد اعم از سیاستمداران، جامعه‌شناسان، هنرمندان و... هستند و دیگر کسی موافق با این ساخت و سازهایی که در تهران صورت می‌گیرد، نیست.

همه می‌دانیم که این رفتار روح شهروان را از بین برده و این به وضوح مشخص است که تا ویرانی کامل شهر نیز جلو خواهد رفت. من در نزدیکی محل زندگی خودم، این مورد را به

خودانتقادی

به من و گفته‌هایم شک کنید

امان‌الله قرایی مقدم

جامعه‌شناس



زندگی‌تان شک داشته باشید. او می‌گوید: تا زمانی که شک وجود دارد، من هم وجود دارم. تا این زمان سعی کرده‌ام با شهادت کامل، انتقاد را بپذیرم. نقد در داخل خود به حدی نکات مثبت و سازنده دارد که زمانی که شما به آنها با دقت نگاه می‌کنید، متوجه می‌شوید که این امر تا چه حدی در مناسبات افراد دخیل و تأثیرگذار است. نقد به سازندگی منجر می‌شود. نقد متولی توسعه در هر جامعه است. کشور یا مملکتی که نقد در آن خط قرمز محسوب می‌شود، از تمام لحاظ عقب‌مانده خواهد بود و یک کشور استبدادی و دیکتاتوری لقبی می‌گیرد و ادوار کلایر در این زمینه می‌گوید: بگذارید شاگردان صحبت کنند و معلم باید ساکت باشد.

به هر حال من با نقد و انتقاد موافق هستم. حتی زمانی که به خودم برمی‌گردد و مخاطبش نیز خودم هستم. من این موضوع را هر روز تکرار می‌کنم که دانشجویان هیچ موقع یادشان نرود، نه برای این که به من نقد کنند؛ نه به این معنی که نقد را همواره در زندگی‌شان جا بیندازند و این موضوع را به صورت روزمره، در زندگی خود قرار دهند. نقد تأثیر خود را در تمام حوزه‌ها می‌تواند بگذارد و تأثیر آن هم به راحتی قابل مشاهده است. برای مثال نقد اقتصادی باعث پویاشدن سیستم اقتصادی یک کشور می‌شود. در بخش سیاسی و اجتماعی نیز همین‌گونه است. یک محقق همواره باید در تحقیق باشد و درباره موضوعاتی که برایش می‌کند، دقت نظر داشته باشد و خودش این خواسته را داشته باشد که همواره کسانی باشند تا به دستاوردهایش نقد وارد کنند و این موضوع باعث سطح ارتقای عملکرد همان محقق هم می‌شود.

با تفکر سیستمی بین این عقیده را دارد که نباید انسان‌ها خطای ذهنیت‌ها و افکارشان را تصور کنند و آن را نپذیرند زیرا برایشان به وجود آورنده توهم است و باعث می‌شود که ایرادشان را به خوبی نبینند.

فروغ عزیززی

داستان‌نویس



ماشین که جلوی پایم ترمز می‌کند، سرم را از شیشه جلو می‌دهم تو و می‌پرسم مستقیم. راننده هم سرش را به نشانه تأیید تکان می‌دهد. سبزی فروشی که گاری‌اش را سر خیابان جابه‌جا می‌کرد، چشم‌غزای به راننده رفت و زیر لب چیزی گفت. همین که ماشین راه افتاد، چراغ قرمز شد. من مجله‌له شده را از تویی کیفم در آوردم و شروع کردم به خواندن. آقای راننده دنده را خلاص کرد و دستش را برد توی داشبورد

چراغ قرمز

زیر لب گفت: بذار به ترانه‌ای بذارم خسته شدم از رادیو. اما به جای سی‌دی موزیک، یک مشت کاغذ تبلیغ رستوران را از توی داشبورد آورد بیرون. نگاهی به من انداخت که انگار تأیید بگیرد و بعد با حرکت سریع همه را از شیشه سمت من به بیرون پرتاب کرد. دیگر برای واکنش دیر شده بود. کاغذها توی هوا تکانی خوردند و رفتند تا نزدیکی گاری سبزی‌فروشی و همانجا روی زمین پخش شدند.

داشتم با خودم کلنجار می‌رفتم که صدایی از پشت‌سر آمد: «آقا چرا ریختی بیرون کاغذها رو؟» کمی جابه‌جا شدم و از توی آینه سایبان دنبال صدا گشتم. زن با صدای جدی‌تر گفت: «این جور که شما سر صبحی اشغال ریختی تا

شاتر

روزهای تکراری جانبازان اعصاب و روان؛ آن‌ها اعصاب‌شان را پشت خاکریزها جا گذاشته‌اند و حالا در چهار دیواری آسایشگاه‌ها چوب‌خط می‌کشند

عکس: رضاقلیچ خانی
مرکز شهید رجایی نجف‌آباد



شب چیزی نمی‌مونه از شهر؟» راننده آینه را مرتب کرد تا زن را ببیند و گفت: «اگه اشغال نریزم که کارگرای شهرداری بیکار می‌شوند. همین‌طوری شهرداری هی اینارو اخراج می‌کنه. کار نداشته باشن دیگه اصلاً نمی‌گیره که اخراج کنه. این همه نسون بریده میشه... مرد پشتی سرش را تکان داد و گفت: «راست می‌گی آقا، راست می‌گی». زن با اخم گفت: «آقا خوب میرن سر سر کار دیگه چه حرفیه. ما اشغال بریزیم چون بیکار میشن». راننده که انگار بی‌حوصله‌تر از این بود که جواب بدهد گفت: «خانوم ما اصلاً فرهنگمون خرابه. از پایست این خانه ویرانه حالا من اگه اشغال نریزم با بریزم چه فرقی می‌کنه؟ مثلاً اگه من نریزم همه چی